

## تحلیلی بر اشارات قرآنی آیت‌الله بهجت علیه السلام در آموزه های مهدویت

سعید توسلی خواه<sup>۱</sup>

### چکیده

مهدویت یکی از آموزه‌های بنیادین اسلام است که در قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. آیت‌الله محمدتقی بهجت علیه السلام به عنوان عارف و فقیه برجسته معاصر، نگاهی سلوکی و باطنی به مهدویت در پرتو آیات قرآن ارائه کرده است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی توصیفی و هدف تحلیل ویژگی‌های نگاه قرآنی سلوکی ایشان به مهدویت انجام شده و به بررسی نحوه بهره‌گیری او از آیات قرآن در تبیین مباحثی چون غیبت، ظهور، وظایف منتظران و مراتب تشریف پرداخته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که آیت‌الله بهجت علیه السلام با رویکردی متفاوت از تفاسیر لفظ محور، به پیوند آیات با سلوک فردی و تربیت معنوی منتظران توجه دارد. تأکید بر عدیل بودن قرآن و امام، توجه به آیات صبر، تقوا، تضرع و عبودیت به عنوان عناصر اساسی انتظار، و نگاه به ظهور به مثابه فرآیندی باطنی از ویژگی‌های این دیدگاه است. اشارات قرآنی او الگویی عملی و اخلاقی برای زیست منتظرانه ارائه می‌دهد که می‌تواند راهنمای مؤمنان در عصر غیبت باشد.

**کلیدواژگان:** مهدویت، آیت‌الله بهجت علیه السلام، قرآن کریم، تفسیر باطنی، سلوک منتظرانه.

---

۱. دکترای مبانی نظری اسلام دانشگاه قم و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت، ایران: saeedtavasoli@chmail.ir.

## مقدمه

موضوع مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه یکی از مسائل بنیادین در آموزه‌های اسلامی است که در قرآن،<sup>۱</sup> احادیث و آثار علمای گذشته، جایگاه ویژه‌ای دارد. خصوصاً در دوران غیبت، آموزه‌های مهدوی به عنوان راهنمایی برای حرکت جامعه انسانی به سوی تحقق حقیقت و عدالت جهانی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.<sup>۲</sup> شناخت و فهم دقیق این آموزه‌ها، نه تنها به غنای معرفتی مسلمانان می‌انجامد، بلکه به آنان فرصت می‌دهد تا معنای وظایف منتظرانه را در زندگی فردی و اجتماعی خود تجربه کنند.

در قرآن کریم، آیات متعددی به نقش امام در هدایت بشر، وضعیت دوران غیبت و اوصاف ظهور، تکالیف منتظران و ارتباط ایشان با امت اشاره دارند. فهم عمیق این آیات می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل فکری و معنوی مؤمنان باشد؛ زیرا قرآن غالباً معانی خود را در نسبت با نیازهای فردی و اجتماعی انسان بیان کرده است. همچنین، عارفان و علمای دین به مفاهیم مهدوی در آیات قرآن، همواره توجه ویژه و اثرگذار داشته‌اند.<sup>۳</sup>

یکی از معاصرترین عالمان عرفان و فقه که به این نگاه قرآنی مقید بوده، آیت‌الله محمدتقی

---

۱. در جلد پنجم کتاب معجم احادیث الامام المهدی، مجموعاً ۲۶۶ آیه و همچنین در کتاب الامام المهدی فی القرآن و السنه نوشته سعید ابومعاش حدود ۳۰۰ آیه به عنوان آیات مهدویت ذکر شده است. همچنین کتاب‌های تفسیری زیادی در موضوع مهدویت و قرآن به رشته تحریر درآمده است. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت.

۲. در حال حاضر کتاب‌های زیادی در رشته‌های مختلف سیاسی اجتماعی تربیتی اعتقادی آینده‌پژوهی بر اساس تأثیرات مهدویت در این حوزه‌ها به رشته تحریر در آمده است؛ برای نمونه به انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، جمکران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود رجوع شود؛ مانند: درسنامه مهدویت (آینده جهان و جهانی شدن) نوشته رحیم کارگر؛ سبک زندگی منتظرانه، نوشته حسن ملایی.

۳. کتاب‌هایی مانند: البرهان فی تفسیر القرآن (هاشمی بحرانی)، نور الثقلین (حویزی)، کافی (کلینی) باب الغیبه،

بحار الانوار در جلد‌های ۵۱-۵۳ روایات بسیاری در تفسیر مهدوی آیات قرآن نقل کرده‌اند.

همچنین ابن عربی، در فتوحات مکیه، به ویژه در باب ۳۶۶، از «خاتم اولیاء» سخن گفته و با زبانی رمزگونه، مفاهیمی مرتبط با وجود ولی کامل و غایب در عالم را تفسیر کرده است. قیصری در شرح فصوص الحکم، ذیل مباحث ولایت، به حقیقت مهدوی اشاره می‌کند. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) در تفصیل آیات مربوط به خلقت و خلافت، مباحث مهدویت را به صورت باطنی تفسیر کرده است.

بهجت علیه السلام است. وی قرآن را نه تنها کتابی برای استنباط و روایت، بلکه منشأ حجت و معرفت قرآنی می‌داند که در آن می‌توان از دل آیات، روح مهدویت و روش انتظار را دریافت کرد. در بیانات او، آیات بسیاری به عنوان منابعی برای تبیین مفاهیم غیبت، ظهور، ویژگی امام و وظایف منتظران مورد استفاده قرار گرفته است. نگاه وی به دیدگاه مهدوی، فراتر از مباحث نظری است و تأکید ویژه‌ای بر بُعد عملی و اخلاقی این باور دارد.

دیدگاه آیت‌الله بهجت علیه السلام، به نوعی جمع میان معرفت قرآنی، تجربه عرفانی، و سلوک واقعی منتظرانه است. آموزه‌های او نشان می‌دهد که مهدویت نه شعاری عقلی یا علمی، بلکه به مثابه راهی برای تهذیب نفس، اصلاح فردی، حرکت اجتماعی و ابزاری برای زندگی وفادارانه در دوران غیبت است.

سؤال اصلی این پژوهش این است که آیت‌الله بهجت علیه السلام کدام آیات قرآنی را در بحث‌های مهدویت به کار برده و برداشت او از این آیات چه کیفیت مهدوی و سلوکی‌ای داشته است؟ پاسخ به این پرسش کمک می‌کند تا شیوه فهم و کاربرد نظری وی از قرآن در موضوع مهدویت روشن شود و رابطه میان مفاهیم قرآنی و تجربه عرفانی سلوکی او تبیین گردد.

این مقاله با هدف تحلیل نگاه قرآنی و سلوکی آیت‌الله بهجت علیه السلام به مهدویت و امام زمان علیه السلام تدوین شده است و برای تحقق این هدف از روش تحقیق کیفی و توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در گام نخست، همه آیات قرآنی مورد استناد او در موضوع مهدویت و ظهور، جمع‌آوری شده و ترجمه و شرح مختصری از آن‌ها به دست آمده است. سپس، برداشت‌های عرفانی و معنوی وی در توضیح این آیات بررسی شده است. منبع اصلی این پژوهش، کتاب «مجموعه بیانات و اشارات آیت‌الله بهجت علیه السلام درباره حضرت ولی عصر علیه السلام» است که شامل سخنان و یادداشت‌های او در ارتباط با آموزه‌های مهدوی می‌باشد. با این وجود بسط، تشریح و دسته‌بندی بیانات قرآنی ایشان سابقه و پیشینه‌ای ندارد. سعی شده است در این مقاله، این کمبود مورد توجه قرار گیرد.

### چارچوب نظری: تفسیر باطنی و ویژگی‌های نگاه قرآنی آیت‌الله بهجت علیه السلام

در بررسی اشارات قرآنی آیت‌الله بهجت علیه السلام، درک چارچوب تفسیری او ضرورت دارد. تفکر وی در

فهم قرآن، با نگاه کلاسیک لفظ محور تفاوت دارد. برداشت‌هایش ممکن است به ظاهر تأویل یا عرفان شهودی باشند؛ اما از نظر اصول علمی، در چارچوب تفسیر باطنی صحیح قرار می‌گیرند. تفسیر اشاری یا باطنی، ناظر به برداشت‌هایی از آیات قرآن است که از سطح ظاهری آیه عبور کرده و با تکیه بر اشارات باطنی و دلالت‌های معنوی، به فهمی عمیق‌تر از حقیقت وحی می‌رسد. در تعریف دقیق‌تر، تفسیر اشاری به «اشارات مخفی» در آیات اطلاق می‌شود که با عبور از ظواهر قرآن و استناد به دلالت‌های غیرصریح. بدون مخالفت با ظاهر. نکته‌ای معنوی و معرفتی را از آیه استخراج می‌کند؛ حتی اگر به صراحت در الفاظ آن ذکر نشده باشد. این نوع تفسیر، بر پایه شهود عرفانی یا دریافت باطنی پدید می‌آید، نه صرف تکیه بر قواعد لفظی و نحوی.<sup>۱</sup>

مباحث تفصیلی پیرامون انواع تفسیر باطنی، گسترده و نیازمند بررسی مستقل است؛ اما برای تحلیل دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، تأکید بر یکی از اقسام معتبر تفسیر باطنی، یعنی تفسیر مبتنی بر «فحوی عام آیات» و «انطباق مصادیق در طول زمان» ضروری است. این نوع تفسیر به معنای کشف درونی معنا در آیه‌ای است که برای مورد خاصی نازل شده، ولی با توجه به مناسبت معنایی، بر موارد مشابه در طول تاریخ تطبیق داده می‌شود؛ روشی که مورد قبول بیشتر مفسران است و از اقسام «تفسیر باطنی صحیح» به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

از منظر روایات نیز قرآن محدود به لایه ظاهری معنا نیست. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

کتابُ الله على أربعة أشياء: على العبارة، والإشارة، واللطائف، والحقائق. فالعبارة للعوام، والإشارة للخواص، واللطائف للأولياء، والحقائق للأنبياء؛<sup>۳</sup> کتاب خداوند بر چهار چیز است: عبارت [ظاهر]، اشاره، لطایف و حقایق. عبارت برای عموم مردم است، اشاره برای خواص، لطایف برای اولیا، و حقایق برای پیامبران.

این روایات نشان می‌دهد که بهره‌مندی از قرآن در سطوح مختلف معنا امکان‌پذیر است و فهم

۱. رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲. همان، ص ۲۶۰.

۳. شهید اول، الدرة الباهرة، ص ۳۰.

اشاری و باطنی، بخشی از سنت تفسیری اسلامی است. بر همین اساس، اشارات آیت الله بهجت رحمته را می‌توان در قلمرو «اشاره» و «لطائف» قرار داد؛ یعنی لایه‌ای از فهم قرآنی که از ظاهر عبور می‌کند؛ اما همچنان با ظاهر آیه ناسازگار نیست.

بیشتر اشارات قرآنی آیت الله بهجت رحمته در موضوع مهدویت، در همین چارچوب قابل تحلیل هستند. او بدون ادعای تفسیر لفظی یا اجتهادی، با کشف هدف معنوی آیه و تطبیق آن بر مصادیق دوران غیبت، به تبیینی سلوکی و کاربردی از آیات می‌پردازد؛ نگاهی که بیشتر رنگ عرفانی سلوکی دارد تا تفسیری به معنای فنی کلمه. با این حال، از آنجا که در روش تفسیری متداول امروز، بطن و تأویل نیز در چارچوب تفسیر جای می‌گیرد، می‌توان این نوع برداشت‌های معنوی را جزئی از دایره تفاسیر قرآنی دانست.<sup>۱</sup>

برای آنکه یک برداشت باطنی در چارچوب مقبول علمی قرار گیرد، معیارهایی پیشنهاد شده است؛ از جمله:

- تناسب معنایی ظاهر و باطن آیه؛
- عدم مخالفت با محکّمات و مبانی عقلانی؛
- رعایت وحدت سیاق و دقت در برداشت‌های ذوقی.<sup>۲</sup>

با اتکای بر همین معیارها می‌توان گفت: برداشت‌های قرآنی آیت الله بهجت رحمته، نه تنها در چارچوب تفسیر اشاره‌ای صحیح قرار می‌گیرند، بلکه با سلوک معنوی شیعه در مواجهه با غیبت و انتظار، پیوندی عمیق برقرار می‌سازند.

ویژگی بی‌نظیر این دیدگاه آن است که قرآن به چشم منبعی کاربردی و تربیتی دیده می‌شود،

---

۱. برخی معتقدند برداشت‌های ذوقی یا شهودی، اگر صرفاً به لوازم معنوی کلام توجه داشته باشند و بر مفاهیم خارج از دلالت لفظی استوار باشند، در حقیقت «تفسیر» محسوب نمی‌شوند؛ بلکه باید آن‌ها را در زمره تأویل یا اشارت قرار داد؛ اما به نظر می‌رسد در تفسیرهای معاصر، چنین مرزی چندان قطعی نیست. تفاسیری که در آن‌ها «باطن» با ظاهر سازگار است و به بیان هدف آیه کمک می‌کنند و همچنین با محکّمات قرآن و دلایل عقلانی نیز تعارضی ندارند، می‌توانند در حوزه تفسیر باطنی صحیح قرار گیرند. (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۲۶۹).

۲. همان، ص ۲۷۲.

نه صرفاً متن مطالعاتی؛ بلکه آیینی که می‌تواند برای تربیت منتظر، برپایی صبر، تقویت امید، تزکیه نفس و آماده‌سازی قلب برای درک ظهور مورد استفاده قرار گیرد. این نوع کاربرد عملی و اخلاقی مهدویت، رویکرد عرفانی وی را عیان می‌سازد.

### تحلیل نمونه آیات در بیانات آیت‌الله بهجت علیه السلام

با این چارچوب نظری، در ادامه مقاله، نمونه آیات قرآنی که آیت‌الله بهجت علیه السلام به آن‌ها در زمینه مهدویت استناد کرده‌اند بررسی خواهد شد. این تحلیل، ضمن اخذ ترجمه و متن آیه، برداشت عرفانی او را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد چگونه خوانش باطنی از قرآن می‌تواند به فهم عملی مهدویت در زندگی منتظر بینجامد.

### اثبات وجود امام زمان علیه السلام در قرآن

در نگاه آیت‌الله بهجت علیه السلام، قرآن کریم نام امام معصوم را به صراحت نمی‌آورد؛ ولی برای اهل باطن، آئینه ظهور حقیقت حجت خداست. تحلیل عرفانی ایشان از برخی آیات قرآن، نشان می‌دهد که نه تنها حضور امام زمان در عالم مستمر است، بلکه قرآن نیز این حضور را به زبان رمزی و معرفتی تأیید می‌کند. در این میان، دو نمونه بارز از نگاه او، سوره «قدر» و «حروف مقطعه» است.

### ۱. سوره قدر و استمرار وجود ولی خدا

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ... تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْتِنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾

آیت‌الله بهجت علیه السلام فرمود:

می‌گوییم: آن کسی که الآن هم تشریف دارد؛ امام عصر علیه السلام، به منزله این است که عمر حضرت رسول صلی الله علیه و آله تا به حال طولانی است. ... براهین دیگری برای این مطلب لازم نیست. با اینکه به براهین هم که مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم اصلاً

شواهد لازم نیست. همین‌ها کافی است: سوره قدر<sup>۱</sup> و ... الی ماشاء الله [ادله وجود دارد].<sup>۲</sup>

در تحلیل سلوکی، شب قدر فراتر از یک شب تاریخی، یک حقیقت باطنی و دائمی است. آنچه در سوره قدر توصیف شده، نه یک رخداد گذشته، بلکه فرایندی است همیشگی: تنزل امر الاهی بر قلب ولیّ مطلق خدا. بنابراین، حضور دائمی «ولیّ امر»، امری حتمی است. در نبود او، شب قدر معنا ندارد، چون فرشتگان بی مقصد نمی‌مانند؛ از این رو، بقای شب قدر دلیل بر بقای امام است. برای اهل سلوک، شب قدر، نماد لحظه شهود حقیقت است و حامل این حقیقت، امام حیّ می‌باشد. اوست که «محل نزول ملائکه و روح» است؛ یعنی قلبی که وسع هدایت همه امر خدا را دارد. بدین ترتیب، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه از منظر عرفانی، همان جان زنده هستی است که بی‌او، اتصال زمین و آسمان ممکن نیست.

## ۲. حروف مقطعه و وجود امام غایب

حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌های قرآن، نزد بسیاری از مفسران از رموز قرآن شمرده شده است. آیت الله بهجت رحمته الله به نحوی خاص به آن‌ها می‌نگریست و در بیاناتی متذکر می‌شد:

از جمله دلایل لزوم حجت و عالم مطلق در هر عصر، وجود «کهیصص»، «الم» و «الر» در قرآن است. آیا کسی می‌تواند همه اینها را بفهمد؟ ... این خود علامت این است که قرآن مجملاتی دارد که مفسّر و شارحش غیر آدم‌های عادی هستند. این‌ها باید با خود مبدأ وحی بالواسطه یا بلا واسطه اتصال داشته باشند. این یکی از حجج است بر اینکه این رمزهای قرآن شارح می‌خواهد.<sup>۳</sup>

۱. در حالی که شب قدر در هر سال تکرار می‌شود و بنا بر آیات سوره قدر، نزول ملائکه در شب قدر، امری مستمر است و تنها مختص به زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است، سؤال این است که ملائکه و روح در شب قدر بر چه کسی نازل می‌شوند؟ معلوم می‌شود که در هر زمان، باید ولیّ کاملی باشد که محل نزول فرشتگان قرار گیرد. این نحوه استدلال به سوره قدر برای بیان حقانیت تشیع، در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است؛ ر.ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.
۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۹۷-۹۸.
۳. همان، ص ۱۰۰.

تحلیل عرفانی این نگاه آن است که حروف مقطعه، زبان رمزی نازل شده بر قلب ولی الهی اند. اگر این زبان رمز، بدون مفسر زنده در میان مردم باشد، معنایش مخفی می ماند. همان گونه که قرآن باطن دارد، باطن این حروف نیز در جان امام است.

برای سالک، این حروف به معارفی اشاره دارند که تنها با اتصال به ولی خدا کشف می شود. غیبت امام، به معنای غیبت این رموز نیست؛ بلکه رمزگشایی از آن ها فقط برای کسی ممکن است که با امام غایب ارتباط قلبی و شهودی یافته باشد. بنابراین، وجود رمزی و سربسته این حروف، به خودی خود نشانه ای است از ضرورت وجود امام حاضر، هرچند غایب، است.

بنابراین از نگاه عرفانی آیت الله بهجت رحمته الله علیه، قرآن کریم - به ویژه در سوره قدر و حروف مقطعه - بر حضور دائمی ولی خدا دلالت دارد. نزول امر الهی در شب قدر، و حروف مقطعه در ابتدای سوره ها، بدون وجود حجت الهی، بی معنا می شود؛ از این رو، قرآن خود، گواهی بر استمرار حضور امام معصوم در هر زمان، و در عصر ما، بر وجود حضرت بقیة الله رحمته الله علیه است.

### قرآن دلیل استمرار حضور عترت

در حدیث شریف ثقلین<sup>۱</sup> که از معتبرترین احادیث شیعه و اهل سنت است، رسول خدا صلی الله علیه و آله دو میراث سنگین و هدایت گر را همزمان معرفی می کند: قرآن و عترت، و تأکید می فرماید که این دو، تا قیامت، هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند.

از منظر عرفانی، این انفکاک ناپذیری، صرفاً یک رابطه تعلیم و تفسیر نیست؛ بلکه نسبتی تکوینی است؛ یعنی همان گونه که قرآن، ذکر دائم و نور الهی است، عترت نیز مظهر دائمی و جاری آن نور در بستر زمان است.

آیت الله بهجت رحمته الله علیه می فرمود:

[حدیث ثقلین] دلیل قطعی است بر اینکه امام زمان رحمته الله علیه حتی موجود الی زمان

۱. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي، أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْصَ» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۱۵).

ظهوره، نه اینکه بعد موجود و متولد می‌شود.<sup>۱</sup>

اگر قرآن در میان ما حاضر است و حجت هدایت است، پس به حکم این حدیث، عترت نیز باید حاضر و زنده باشد. در غیر این صورت، سنت نبوی نقض می‌شود و سخن رسول اکرم ﷺ، به خلف منجر می‌گردد که از آن منزّه است.

حدیث ثقلین، در منظومه عرفانی و سلوکی، به معنای اتحاد انفکاک‌ناپذیر نور هدایت است. قرآن، هدایت مکتوب است و عترت، هدایت مجسم. اگر یکی از این دو از میان برود، آن دیگری نیز کارایی کامل نخواهد داشت؛ بنابراین حضور امام حئی، نه فقط یک عقیده روایی یا سیاسی؛ بلکه یک ضرورت وجودی برای تداوم هدایت قرآن است.

در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، سالک راه خدا باید بداند: «در هر زمان، هدایت قرآن با امام زمان رحمته‌الله‌علیه است. اگر او را نیابی، راه را گم می‌کنی؛ حتی اگر قرآن بخوانی.»

### غیبت امام زمان رحمته‌الله‌علیه و موانع ظهور

در فرهنگ و تفکر شیعه، غیبت به معنای فقدان نیست؛ بلکه به معنای پنهانی حضور است؛ یعنی امام هست، ولی در پرده خفا قرار دارد.<sup>۲</sup> این حجاب نه از سوی او، بلکه ناشی از عدم آمادگی مردمان برای دیدار با ولی حق است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه با زبانی ساده اما دقیق، از این معانی پرده برمی‌داشتند.

### آمادگی برای ظهور در پرتو آیه ۴۴ سوره اسراء

خداوند در آیه ۴۴ سوره اسراء می‌فرماید:

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۵۹۶.

۲. امام صادق رحمته‌الله‌علیه در بیان تشبیه حضرت حجت رحمته‌الله‌علیه به حضرت یوسف رحمته‌الله‌علیه: «أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَفْعَلُ مِجْرَتَهُ مَا فَعَلَ يُيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَشْوَاقِهِمْ وَ يَطَّأُ بُسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَعْرِفَهُمْ بِنَفْسِهِ كَمَا أَدْنَى لِيُوسُفَ» (ابن بابویه، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۴۱)؛ «و الله إن صاحب هذا الأمر ليحضر الموسم كل سنة يرى الناس فيعرفهم ويرونه ولا يعرفونه» (قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۰۵).

تَفَقَّهُوْنَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا؛

آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر که در آن‌هاست، او را تسبیح می‌گویند. و هیچ چیزی نیست مگر آنکه با ستایش او تسبیح می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید. بی‌گمان او بردبار و آمرزنده است.

این آیه شریفه، دریچه‌ای به سوی نوعی شناخت فرازمانی و فراحسی از جهان هستی می‌گشاید؛ جهانی که سراسر در حال تسبیح و اطاعت است؛ اما انسان در اثر انس با محسوسات و غفلت از باطن وجود، از فهم این تسبیح و هماهنگی عظیم بی‌بهره مانده است. در نگاه عرفانی، این آیه تنها ناظر به یک حقیقت طبیعی نیست؛ بلکه پرده از واقعیتی وجودی بر می‌دارد: هر موجودی در هستی به نوعی در خدمت تدبیر الهی و مسیر تحقق اراده اوست، از جمله تحقق وعده الهی در ظهور ولی حق.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در بیانی سلوکی، با اشاره به همین آیه به حقیقتی ژرف‌تر اشاره می‌فرماید:

در و دیوار شاهدان ظهورند، هر چیزی زبانی دارد؛ ولی ما زبان آن‌ها را نمی‌فهمیم.<sup>۱</sup> این جمله در بطن خود حاکی از این حقیقت است که عالم به سوی ظهور در حرکت است و همه ذرات هستی با زبان وجودی خود، این مسیر را هموار می‌کنند. تنها انسان است که باید به آن هماهنگی برسد.

از نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، آمادگی برای ظهور، نه صرفاً آمادگی سیاسی یا اجتماعی، بلکه یک آمادگی وجودی و درونی است؛ نوعی همسویی با تسبیح هستی. او با استناد به سیره امام حسن عسکری علیه السلام که تلاش می‌کرد مردم را برای دوران غیبت آماده کند،<sup>۲</sup> بر این نکته تأکید دارد که غیبت و ظهور، رخدادهایی صرفاً تاریخی نیستند؛ بلکه عرصه‌هایی تربیتی برای سنجش و رشد

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۲۵ (با اندکی تغییر) «شاهد این عده در و دیوار است. هر چیزی یک زبانی دارد. ما زبان در و دیوار را بلد نیستیم.» «وَلَكِنَّ لَا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِيحَهُمْ»؛ و لکن شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید».  
۲. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام خیلی سعی بر این داشتند که مردم را برای غیبت آماده کنند. حتی گاهی بین خود و مراجعین پرده می‌انداختند تا مردم به ندیدن امام عادت کنند. خود غیبت صغری هم همین جهت آماده‌سازی را دارد. باید شیعه برای این زمان سخت آماده شود» (بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۲۵).

انسان‌اند. به همین جهت است که به باور او، حتی دوران غیبت صغرا، بخشی از این تربیت و آمادگی‌تدریجی بود.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در ادامه می‌فرماید: «تعبیر ظهور اصغر<sup>۱</sup> هم ممکن است تعبیر از مقدمات ظهور تا استقرار آن باشد». این تعبیر، ناظر به درکی فرایندی و لایه‌لایه از مفهوم ظهور است؛ بدین معنا که ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالیه یکباره و دفعی رخ نمی‌دهد؛ بلکه تحقق آن مسبوق به مقدماتی تدریجی، تربیتی و وجودی است. از منظر عرفانی سلوکی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه این فرایند از آمادگی درونی دل‌ها و صفای جان‌ها آغاز می‌شود و به ظهور ظاهری می‌انجامد.

در این چارچوب، آیاتی مانند آیه ۴۴ سوره اسراء که از تسبیح ذرات هستی و ناآگاهی انسان از آن سخن می‌گوید، از منظر او معنایی فراتر از توصیف طبیعی دارند. این آیه در واقع هشدار تربیتی برای انسان منتظر است:

آیا تو که مدعی انتظار ظهوری، قلب و عمل خود را با آهنگ هستی هماهنگ کرده‌ای؟ جهانی که در حال تسبیح است، به سوی تحقق وعده الهی حرکت می‌کند؛ آیا تو نیز در این مسیر، فعال و هم‌صدا هستی یا از آن عقب مانده‌ای؟ بدین‌سان، ظهور اصغر در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه نه صرفاً مرحله‌ای از زمان، بلکه مرحله‌ای از تحول باطنی و آمادگی روحی بشر است؛ مرحله‌ای که اگر محقق شود، ظهور کبرا نیز تحقق خواهد یافت.

این فهم از آیه، همچنین رابطه‌ای عمیق میان عرفان انتظار و علم حضور برقرار می‌سازد: هرچه انسان از حجاب‌های غفلت و معصیت‌رهایی یابد، گوش دل او نیز به تسبیح موجودات باز می‌شود و ظهور، دیگر تنها یک وعده‌ی آینده نخواهد بود؛ بلکه حقیقتی جاری و حاضر در جان او می‌شود.

۱. تعبیر «ظهور اصغر» در منابع روایی شیعه سابقه شناخته شده‌ای ندارد و به نظر می‌رسد مفهومی نوپدید و غیرمشهور باشد. این اصطلاح، برخلاف تعبیر رایج «غیبت صغرا» که در سنت حدیثی و کلامی جایگاه مشخصی دارد، مبنای روایی مستقیمی ندارد و بیشتر به عنوان یک برداشت تحلیلی یا تمثیلی به کار رفته است. آیت‌الله بهجت در بیانی عرفانی به این اصطلاح اشاره کرده‌اند، و مشابه آن نیز در آثار معاصری مانند کتاب عصر ظهور، تألیف علی کورانی مطرح شده است.

## فقدان آمادگی برای ظهور در پرتو آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷ سوره شعرا

خداوند در سوره شعرا در داستان حضرت صالح و قوم ثمود چنین می‌فرماید:

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ  
عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَدِيمِينَ ﴿١٥٧﴾

[صالح] گفت: این ماده شتری است که نوشیدن آبش نوبتی است؛ یک روز نوبت او و روز دیگر نوبت شماست. (۱۵۵) و به بدی به او نزدیک نشوید، که شما را عذاب روزی سخت فرا خواهد گرفت. (۱۵۶) پس آن شتر را پی کردند [کشتند] و صبحگاهان پشیمان شدند. (۱۵۷)

این آیات نشان می‌دهد که قوم ثمود با وجود مشاهده نشانه‌ای آشکار از جانب خداوند (ناقه) و آگاهی از عواقب آن، باز هم بر طغیان خود اصرار ورزیدند و رحمت الهی را با دست خود از میان بردند. در نگاه عرفانی، ناقه نه صرفاً یک حیوان معجزه‌آسا، بلکه نماد یک نعمت الهی، واسطه فیض و نشانه‌ای از حضور ربوبی در میان مردم است.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله با برداشتی عمیق و سلوکی از این ماجرا، درباره وضعیت امت اسلامی در عصر غیبت هشدار می‌دهد:

قرآن چه موجودی است که در مراتب مختلفه نزول، حکایت از شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها می‌کند. عدیل قرآن (عترت) هم حکایت از نعمت‌های عالم می‌کند... ولی ما از غمخوار، هادی، حامی و ناصرهای خود قدردانی نمی‌کنیم و واسطه خیر را پی می‌کنیم؛ ... فَعَقَرُوهَا، ناقه را پی کردند و ائمه را که ولی نعمت‌های ما و مجاری فیض هستند، نمی‌توانیم مشاهده کنیم. امام زمان را هم اگر بباید، با او همان معامله را می‌کنیم که با آباء طاهرینش کردیم. آیا می‌شود امام زمان چهارصد میلیون یاور داشته باشد و ظهور نکند؟<sup>۱</sup>

در این بیان، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله درک مردم از قرآن و عترت را معیاری برای سنجش آمادگی ظهور می‌داند. ناقه در آیه، همسنگ امام در دوران حضور است؛ همان‌گونه که قوم ثمود آن را انکار و

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۷۲.

قربانی کردند، امت نیز در طول تاریخ نسبت به ائمه اطهار بی‌مهتری کرده است. او به صراحت می‌فرماید که اگر امام زمان امروز نیز ظهور کند، با او همان می‌کنیم که با آبابی طاهرین او کردیم؛ زیرا تغییری در حقیقت روحی و اخلاقی امت پدید نیامده است.

تعبیر تأمل‌برانگیز وی که می‌پرسد: «آیا می‌شود امام زمان عجل الله فرجه چهارصد میلیون یاور داشته باشد و ظهور نکند؟» در واقع نوعی پرسش چالشی و انتقادی از ادعاهای ظاهری مردم است. او در حقیقت می‌فرماید: یاوری حقیقی به معنای ولایت‌پذیری واقعی است، نه صرف محبت زبانی یا شعاری.

در نتیجه، این آیات و تحلیل ایشان در امتداد بحث آمادگی برای ظهور، نشان می‌دهد که حجت خدا در غیبت نیست؛ بلکه ما در حجابیم. همان طور که قوم ثمود خودشان نعمت الاهی را از میان برداشتند، ما نیز با فقدان شکر و معرفت نسبت به نعمت امامت، راه ظهور را بسته‌ایم.

## وظایف منتظران

### اصلاح نفس و آمادگی برای ظهور

قرآن کریم در آیه سوم سوره طلاق به یکی از سنت‌های قطعی الاهی در زندگی انسان مؤمن اشاره می‌فرماید:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛

و هر کس از خدا پروا کند، خدا برای او راه گشایشی قرار می‌دهد، و او را از جایی که گمان نمی‌برد، روزی می‌دهد... و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند.<sup>۱</sup>

در پرتو این آیه، آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه تقوا و توکل را دو رکن اصلی اصلاح فرد و جامعه می‌داند. او در باب آمادگی برای ظهور می‌فرماید:

۱. سوره طلاق: ۳.

ما خودمان حاضر نیستیم خودمان را اصلاح کنیم. اگر خودمان را اصلاح کنیم، به تدریج همه بشر اصلاح می‌شوند... با خدا بساز، کار را درست می‌کند. چرا در خلوت و جلوت، دلت هر چه می‌خواهد می‌کنی؟ مگر نمی‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»<sup>۱</sup>؟

این بیان، نه تنها دعوت به اصلاح فردی است، بلکه بازتابی از یک منطق قرآنی در باب «تربیت منتظر» است: اصلاح جهان از اصلاح دل آغاز می‌شود، و هر کس که در مسیر بندگی صادق باشد، در تحقق فرج سهم دارد.

از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، تقوا در این آیه تنها به معنای پرهیز از گناه نیست؛ بلکه به معنای نظم درونی، مراقبت دائمی، و عبودیت قلبی است. وقتی دل انسان تابع امر خدا باشد، عمل او نیز در مسیر الهی قرار می‌گیرد. اصلاح نفس، زمینه‌ساز اصلاح جامعه می‌شود؛ و جامعه‌ای که در آن دل‌ها مهذب است، آماده‌ترین بستر برای ظهور حجت خدا است.

او با بهره‌گیری از آیه سوم سوره طلاق، انتظار را به «سلوک فردی در دل عصر غیبت» پیوند می‌زند. از نظر او کسی که در خلوت و جلوت مراقب دل خود نباشد و اراده‌اش را به هوای نفس می‌سپارد، اگر هم دعا برای ظهور کند، دعایش بی‌اثر خواهد بود.

بنابراین، راه اصلاح عالم و زمینه‌سازی برای ظهور، با تقوا، توکل، و مبارزه جدی با نفس آغاز می‌شود.<sup>۲</sup> این آموزه، دعوتی است به بازگشت به خود، و نشان می‌دهد که منتظر واقعی، همان اصلاح‌گری است که خود را بسازد، تا جهان را بسازد.

### احیای انسان‌ها، مقدمه‌ای برای آمادگی ظهور

خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره مائده پس از بیان داستان فرزندان آدم و قتل ناحق، چنین

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۹۳.

۲. قال الإمام الصادق عليه السلام «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا، هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۰).

می‌فرماید:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛

هر کس انسانی را بدون [ارتکاب] قتل یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته است، و هر کس انسانی را احیا کند، چنان است که گویی همه مردم را احیا کرده است.

در نگاه ابتدایی، این آیه به اهمیت بی‌مانند جان انسان در شریعت الاهی اشاره دارد؛ اما در تفسیر عرفانی سلوکی که آیت‌الله بهجت رحمته‌الله ارائه می‌دهد، «احیای نفس» تنها به معنای نجات از مرگ جسمانی نیست؛ بلکه احیای معنوی و نجات از ضلالت و گمراهی در دین است. به تعبیر او این نوع احیا، در واقع نجات دادن انسانی است از مرگ حقیقی که همان مرگ قلب و سقوط در ظلمات غفلت و گناه است.<sup>۱</sup>

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله با تکیه بر همین معنا، مسئولیت بزرگ اجتماعی و معنوی مؤمنان را یادآور می‌شود:

این راه اصلاح را نباید کالعدم و نشدنی حساب کنیم؛ وگرنه پشیمان می‌شویم از اینکه می‌توانستیم عادل و صالح فراهم کنیم و نکردیم... در وسع ما بود و قدرت داشتیم که دنیا را به امن و امان و عدالت وادار کنیم و نکردیم. انوشیروان از مزدک پرسید: قاتل را می‌کشی؟ گفت: نه. گفت: اگر او را نکشی ممکن است صد نفر دیگر را بکشد. او را و صد هزار تابع او را در یک روز در یک مجلس کشت.<sup>۲</sup>

این بیان او حاکی از یک فهم مسئولانه و ژرف از آمادگی برای ظهور است. در منظومه فکری آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، ظهور، زمانی رخ می‌دهد که مؤمنان اهل احیای نفوس باشند؛ یعنی به جای انفعال و بی‌تفاوتی، به تربیت انسان‌های عادل و صالح بپردازند و جامعه را در مسیر هدایت الاهی

۱. «أَيُّهَا أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ رَجُلٌ يَرُومُ قَتْلَ مُسْكِينٍ قَدْ ضَعُفَ، تُنْفِذُهُ مِنْ يَدِهِ؟ أَوْ نَاصِبٌ يُرِيدُ إِضْلَالَ مُسْكِينٍ [مُؤْمِنٍ] مِنْ ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا تَفْتَحُ عَلَيْهِ مَا يَمْتَنِعُ [الْمُسْكِينُ] بِهِ مِنْهُ وَيُفْجِمُهُ وَيُكْسِرُهُ بِحُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى؟» (دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین، ۲۸۱).

۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۹۲.

سامان دهند. با این نگاه، غیبت، نه فقدان امام، بلکه فقدان احیا در نفوس مؤمنان است.<sup>۱</sup> نکته مهم دیگر در کلام او اشاره به قصه تاریخی گفت‌وگوی انوشیروان و مزدک است که آن را به مثابه تمثیلی برای ضرورت اقدام در برابر ریشه‌های فساد و ضلالت بیان می‌کند. او با نقل این داستان، تلویحاً بیان می‌کند که بی‌عملی در برابر گمراهی‌ها، موجب گسترش فساد می‌شود و کسی که می‌توانست مانع گمراهی شود ولی نشد، در واقع در مسئولیت آن شریک است. از این منظر، آیه ۳۲ سوره مائده، نه فقط هشدار نسبت به حرمت خون انسان، بلکه دعوتی است به احیای معنوی انسان‌ها، به ساختن انسان‌های منتظر، و به مسئولیت‌پذیری در قبال تحقق جامعه‌ای عادل و آماده برای ظهور. جامعه‌ای که از احیا غافل باشد، در واقع در مسیر غیبت باقی می‌ماند؛ اما جامعه‌ای که مؤمنانش جان‌ها را به نور ایمان و معرفت زنده کنند، راه ظهور را هموار می‌سازد.

### ضرورت ناظر درونی و آمادگی پیشینی برای هدایت

خداوند متعال در آیه ۱۵۷ سوره انعام می‌فرماید:

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً فَمَن أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ؛

یا [مبادا!] بگویند: اگر بر ما کتاب نازل می‌شد، قطعاً از آنان راه‌یافته‌تر می‌بودیم. پس، دلیل روشن و هدایت و رحمتی از پروردگارتان برایتان آمد. پس چه کسی ستمکارتر است از آن‌که آیات خدا را تکذیب کند و از آن روی بگرداند؟ به زودی کسانی را که از آیات ما روی بر می‌گردانند، به کیفر روی‌گردانی‌شان، به عذابی

۱. قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ: «فَضَّلَ كَافِلُ يَتِيمٍ آلَ مُحَمَّدٍ الْمُتَّقِعِ عَنْ مَوَالِيهِ النَّاشِبِ فِي ثُبَّةِ الْجَهْلِ يُخْرِجُهُ مِنْ جَهْلِهِ وَ يُرْضِعُهُ لَهٗ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ عَلَى فَضْلِ كَافِلِ يَتِيمٍ يُطْعِمُهُ وَيَشْقِيهِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الشُّهَاءِ» (طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۶). رسول الله: «أَشَدُّ مِنْ يَتِيمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ، يَتِيمٌ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ، وَلَا يَدْرِي كَيْفَ حُكْمُهُ فِيمَا يُبْتَلَىٰ بِهِ مِنْ شُرَاحِ دِينِهِ. أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شِعْبَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا وَ هَذَا الْجَاهِلُ بِشِرْعَتِنَا الْمُتَّقِعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حِجْرِهِ، أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أَرشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شِرْعَتِنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲).

سخت گرفتار خواهیم کرد.

در این آیه، ادعای توجیه‌گرانه برخی انسان‌ها پیش از دریافت کتاب آسمانی، باطل شمرده می‌شود: آن‌ها پیش‌تر می‌گفتند اگر کتابی از آسمان داشتیم، از همه هدایت‌یافته‌تر می‌شدیم؛ اما اکنون که حجت و هدایت نازل شده، از آن روی گردانند. این آیه به شکلی دقیق، به روان‌شناسی تأخیر و ادعای دینداری در شرایط فرضی اشاره دارد.

در نگاه سلوکی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، همین وضعیت - یعنی بهانه‌جویی برای سستی در هدایت و عمل به وظیفه - یکی از آفات دوران غیبت است. او در بیانی تربیتی فرموده است: «در هر فعل و ترک، محتاج به دستگیری هستیم. باید ناظر و محافظ بر احوال خود داشته باشیم. قهراً خودمان باید ناظر را فراهم کنیم، و در عصر غیبت ناظری جز احتیاط نداریم»<sup>۱</sup>. او با بهره‌گیری از این آیه شریف نکات عمیقی را متذکر می‌شود:

### ۱. ادعای مشروط‌هدایت، آفت منتظران غافل

آیه ۱۵۷ به صراحت از گروهی پرده بر می‌دارد که گویی طالب هدایتند، اما تنها در شرایط خاص و آینده‌نگرانه. در تطبیق با دوران غیبت، می‌توان گفت برخی منتظران نیز گرفتار همین خطا هستند؛ می‌گویند: «وقتی امام زمان بیاید، اصلاح می‌شویم» یا «فعلاً نمی‌توان درست زیست؛ چون امام نیست». آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه این منطوق را مردود می‌داند؛ به باور او انسان باید خود ناظری بر رفتار خویش ایجاد کند؛ به ویژه در غیبت امام معصوم.

### ۲. احتیاط، ناظری معنوی در عصر غیبت

در نگاه عرفانی، احتیاط، نوعی مراقبت دائمی قلب از فراموشی ولی خدا است. وقتی امام دیده نمی‌شود، دیده شدن از سوی او و در پیشگاه خدا بودن را نباید فراموش کرد. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه بر این باور بود که انسان مؤمن باید در نبود امام ظاهر، رفتار و حالات خود را به‌گونه‌ای سامان دهد که گویی در محضر اوست.

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۲۰۸.

### ۳. نفی حجت تراشی

آیه تأکید دارد که وقتی حجت الاهی نازل شد (کتاب، پیامبر، یا امام)، دیگر جای توجیه و «اگر» گفتن نیست. در دوران غیبت نیز، حضور امام زمان عجل الله فرجه در عالم تکوین برقرار است، حتی اگر در عالم شهود از دیدگان پنهان باشد؛ بنابراین آیت الله بهجت رحمته الله، با تحلیل های عرفانی آیه ۱۵۷ سوره انعام، هشدار می دهد که نباید هدایت را به شرایط فرضی آینده منوط ساخت، و نمی توان ظهور امام و نزول هدایت را دستاویزی برای تعلل معنوی قرار داد. به جای آن، باید در همین اکنون و با آنچه در دسترس ماست (قرآن، عقل، وجدان، علمای ربانی)، ناظری برای خویش باشیم، و این ناظر، هم در حوزه ی شریعت، و هم در حوزه سلوک، چیزی جز احتیاط<sup>۱</sup> همراه با حضور قلبی نیست.

### تضرع در دوران غیبت؛ راهکاری برای بیداری دل ها

قرآن کریم در آیه ۴۳ سوره انعام به یکی از سنت های الاهی در تربیت انسان اشاره می فرماید:

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛

پس چرا هنگامی که سختی ما به آن ها رسید، تضرع نکردند؟ بلکه دل هایشان سخت شد و شیطان آنچه را می کردند در چشمشان آراست.

این آیه شریفه، سنتی الاهی را در رابطه با بلایای معنوی و ظاهری تبیین می کند؛ بدین معنا که بلا، عامل بیدارباش برای قلب انسان است و تضرع، واکنش مورد انتظار خداوند از بنده مؤمن در برابر آن است. در صورتی که دل انسان در برابر ابتلائات سخت شود و از تضرع و خشوع بازماند، دروازه های هدایت بسته خواهد شد و زمینه برای نفوذ شیطان فراهم می شود، تا گمراهی را در چشم انسان زیبا جلوه دهد.

در همین راستا، آیت الله بهجت رحمته الله با نگاهی سلوکی و تربیتی، این آیه را در چارچوب وظایف

۱. قال صادق عليه السلام: «خُذْ بِالْأَحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۰)؛ قال امیرالمؤمنین عليه السلام: «أَخْوَكُ دِينَكَ، فَاحْتِظْ لِدِينِكَ بِمَا شِئْتَ» (مفید، أمالی، ص ۲۸۳).

منتظران در عصر غیبت تفسیر کرده است. او در بیانی ژرف و هشداردهنده می‌فرماید:

نوکرهای امام زمان علیه السلام باید به وظیفه خود عمل کنند... و توسلات را هم داشته باشند. خداوند سبحان می‌فرماید: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا»؛ یعنی خدا بلا را می‌فرستد تا عبد تضرع کند، و مطلوب خدا همان ابتهال و تضرع است.<sup>۱</sup>

همچنین با اشاره به آیه فوق می‌فرمود:

آیا نباید در فکر باشیم و با تضرع و زاری برای ظهور و فرج مسلمان‌ها و مصلح حقیقی، حضرت حجت علیه السلام دعا کنیم؟<sup>۲</sup>

بر این اساس، تضرع و توسل از منظر آیت‌الله بهجت علیه السلام صرفاً حالت‌های احساسی یا مناسکی نیستند، بلکه جوهره سلوک منتظرانه‌اند. دوران غیبت خود نوعی «بأس» و ابتلاء الهی است؛ ابتلائی که نه برای مجازات، بلکه برای تربیت و بازگشت انسان به ولی خدا طراحی شده است. در چنین شرایطی، دعا برای فرج امام زمان علیه السلام<sup>۳</sup> در حقیقت شکلی از مشارکت بنده در طرح الهی برای ظهور است، و خود این تضرع، راهی برای نرم کردن قساوت دل و رهایی از غفلت و بی‌تفاوتی است.

آیت‌الله بهجت علیه السلام با تأکید بر لزوم «عمل به وظیفه» بدون انتظار نتیجه فوری، بیان می‌دارد که منتظر واقعی، کسی است که در هر شرایطی به وظیفه خود عمل می‌کند. در چنین سلوکی، دعا و توسل نه تنها ابزار ارتباط با امام، بلکه عامل استمرار حیات ایمانی در فضای قحطی معنوی دوران غیبت است.

در مجموع، با تأمل در آیه ۴۳ سوره انعام و تحلیل سلوکی آیت‌الله بهجت علیه السلام، می‌توان نتیجه

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۳۲.

۳. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «... وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طول کشید، به درگاه خداوند چهل روز گریه و ناله کردند؛ پس خداوند، به موسی و هارون وحی فرستاد که بنی اسرائیل را خلاص کنند و از صد و هفتاد سال صرف نظر کرد.» حضرت امام صادق علیه السلام افزودند: «شما نیز همین‌طور. اگر این کار را بکنید، خداوند برای ما گشایش می‌کند؛ ولی اگر چنین نباشید، این امر تا آخرین حد خواهد رسید» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱-۱۳۲).

گرفت که تضرع، تنها یک واکنش عاطفی نیست؛ بلکه راهبردی معرفتی و سلوکی برای در امان ماندن از قساوت قلب در دوران غیبت است. منتظران باید همان گونه که در حوزه‌های علمی، اخلاقی و اجتماعی فعالند، در عرصه تضرع و توسل نیز کوشا باشند؛ زیرا دلِ غافل از تضرع، به قساوت مبتلا می‌شود، و قلبِ قسی، نه تنها از ظهور محروم می‌ماند، بلکه از درک حضور نیز باز می‌ماند.

### بندگی خدا؛ نقشه راه منتظر واقعی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛

و جنیان و آدمیان را نیافریدم، جز برای آنکه مرا عبادت کنند.<sup>۱</sup>

این آیه، عصاره فلسفه خلقت انسان و جن را بیان می‌کند؛ غایتی که همه شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد. «عبادت» در این آیه، به معنای صرفاً نماز و روزه نیست؛ بلکه به معنای بندگی مستمر و آگاهانه است.

آیت الله بهجت رحمته الله در شرحی سلوکی از این آیه تأکید می‌کند:

باید بدانیم که این یک کلمه «إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، معنایش این است که هر چه هست و نیست در همین عبودیت خداست... تمام نتیجه و سعادت در این است که موفق باشیم به عزم ثابت مستمر بر ترک معصیت در اعتقادات و عملیات... و همین را هم از... وصی وقت بخواهیم که از خدا بخواهند که ما موفق شویم... هر یک از ما که به انبیا و اوصیا و وصی وقت - صلوات الله علیهم - شبیه‌تر باشیم به هدف خلقت خود نزدیک‌تر و واصلیم.<sup>۲</sup>

از این منظر، منتظر حقیقی کسی است که نخست، دل خود را مهذب ساخته و با عبودیتی خالص، آماده حضور در محضر امام است. او در بندگی خدا، خود را بر صراط مستقیم می‌سپارد؛

۱. سوره ذاریات: ۵۶.

۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۷۸-۱۷۹.

همان‌گونه که قرآن فرموده است: «أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»<sup>۱</sup>. در همین راستا، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه با تعبیر دقیق خود می‌فرماید: «حق میل به یمین و یسار نداریم»<sup>۲</sup> که اشاره‌ای روشن به ترک اختیار نفسانی و تسلیم مطلق در برابر اراده الهی دارد. تا هنگامی که دل مؤمنان بر این صراط ثابت نشود، ظهور نیز در معنای حقیقی خود تجلی نمی‌یابد.

به علاوه، او مسیر تحقق، این عبودیت را صرفاً در مجاهدت فردی نمی‌داند؛ بلکه توسل به اولیای الهی، به ویژه امام زمان علیه‌السلام را شرط نیل به بندگی کامل می‌شمارد. از این منظر، انتظار، خود نوعی سلوک عبادی و تربیتی است؛ نه فقط صبر بر فراق، بلکه مشارکت فعال در مسیر بندگی و تزکیه، با توسل به حجت غایب برای حضور در محضر او.

بنابراین می‌توان گفت: عبودیت، بنیان تمام وظایف منتظران است. به تعبیر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، «همه چیز در همین یک کلمه است: إِلَّا لِيَعْبُدُونِي». ظهور در نگاه سلوکی نه یک حادثه بیرونی، بلکه پدیدار شدن حقیقتی در درون دل‌های بندگان آماده است و منتظر حقیقی کسی است که هر لحظه، آماده اطاعت بی چون و چراست؛ خواه امر به حرکت باشد، خواه به توقف.

### احیای رابطه عمیق و مداوم با قرآن کریم

از منظر عرفانی و سلوکی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، یکی از اساسی‌ترین وظایف منتظران امام زمان علیه‌السلام احیای رابطه عمیق و مداوم با قرآن کریم است. وی با استناد به حدیث ثقلین که پیوندی ناگسستنی میان «کتاب خدا» و «عترت» برقرار می‌سازد، تصریح می‌کند که در عصر غیبت امام، قرآن به مثابه «عدیل» آن حضرت، هدایت‌گر حاضر در میان انسان‌ها است. در بیانی هشداردهنده، او می‌فرماید:

آیا قرآن هم غیبت کرده است؟ اگر امام زمان غایب است، عدل او که هست... از همین جا معلوم است که درباره او راست می‌گوییم یا نه!<sup>۳</sup>

۱. یس: ۶۱.

۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۷۸.

۳. همان، ص ۳۵۷.

این بیان دربردارنده یک معیار است: راستی سنجی ادعای انتظار و محبت به امام، با نوع مواجهه ما با قرآن سنجیده می‌شود. اگر قرآن در زندگی ما مهجور، مهمل، و بی‌اثر مانده باشد، آن‌گاه ادعای شوق دیدار امام، صادق نخواهد بود. به تعبیر سلوکی، چنین انسانی نه تنها از امام، که از «امامتِ نوری قرآن» نیز در غیبت است.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، نگاه به مصحف را نه تنها عبادت می‌داند؛ بلکه آن را در حکم نظر به وجود امام می‌خواند؛ زیرا امام و قرآن هر دو مجرای واحد هدایت الهی‌اند. این نگاه، منتظر را به «بازیابی هدایت» در عصر غیبت فرا می‌خواند؛ عصری که در آن، چشم ظاهر از دیدار حجت‌الاهی محروم است، اما چشم دل می‌تواند از آیات هدایت در قرآن بهره‌مند شود و برای ظهور، خود را تربیت کند. از این منظر، بی‌توجهی به قرآن، نشانه‌ای از غیبت مضاعف است؛ یعنی نه تنها حجت ظاهر از چشم‌ها پنهان است؛ بلکه حجت مکتوب نیز در عمل کنار گذاشته شده است؛ لذا احیای قرآن، آغاز حضور امام در جان فرد منتظر است و راه سلوک در عصر غیبت، از انس با کلام وحی می‌گذرد.

### ظهور: تحقق وعده و غربال ایمان

با گذر از دوران غیبت و وظایف منتظران، پرسشی بنیادین پیش روی انسان مؤمن قرار می‌گیرد: ظهور چگونه رخ می‌دهد و مواجهه‌ی انسان‌ها با آن چگونه خواهد بود؟ از منظر قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام، ظهور امام مهدی علیه‌السلام صرفاً رویدادی تاریخی یا سیاسی نیست؛ بلکه پرده‌برداری از حقیقت پنهانی است که همگان را مخاطب قرار می‌دهد، اما نه اینکه همگان آن را با دل می‌پذیرند.

در این بخش، دو بُعد از ظهور از منظر قرآنی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه مورد تحلیل قرار می‌گیرد: نخست، چگونگی ندای فراگیر و اعجازگونه امام عصر علیه‌السلام در لحظه ظهور، که همچون ندای توحیدی حضرت ابراهیم به گوش تمام جهانیان می‌رسد؛ و دوم، واکنش انسان‌ها در مواجهه با این ندا.

## ندای ظهور امام به مثابه ندای فطرت

در آیه ۲۷ سوره حج، خداوند فرمانی فرا زمانی به حضرت ابراهیم علیه السلام صادر می‌کند که بازتابی از دعوتی فطری در سراسر هستی است:

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛  
و در میان مردم، برای حج بانگ بزن؛ تا پیاده و بر هر شتر لاغری، از هر راه دوری  
به سوی تو آیند.

در این آیه، ندای حج نه تنها خطاب به مردم زمان حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ بلکه به گونه‌ای فطرت انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد. دعوتی که تنها گوش‌های ظاهری آن را نمی‌شنوند؛ بلکه قلب‌های آماده و جان‌های لیبیک‌گو، آن را در می‌یابند.  
آیت‌الله بهجت رحمته الله با بینشی عرفانی، پیوندی ژرف میان این ندا و ندای ظهور برقرار می‌سازد. او می‌فرماید:

روایتی هم هست که حضرت حجت علیه السلام هنگام ظهور چنین می‌فرماید: «ألا يا أهل العالم، قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنَ عَطْشَانًا»<sup>۱</sup> چطور با اهل عالم صحبت می‌کند؟... این اعجاز است. مثل همان أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ است که نه فقط به اهل آن زمان، بلکه به ذریات‌شان هم رسید.<sup>۲</sup>

این بیان، برداشتی عمیق از یک سنت الاهی را آشکار می‌سازد: ظهور، ادامه همان ندای ازلی حج است؛ ندایی که از دل فطرت انسان‌ها بر می‌خیزد و تنها جان‌هایی که با صفا، تقوا، و آمادگی سلوکی پرورش یافته‌اند، قادر به لیبیک گفتن آن هستند.

در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته الله، انتشار صدای امام زمان علیه السلام در لحظه ظهور، رخدادی رسانه‌ای یا طبیعی نیست؛ بلکه یک «اعجاز» الاهی است که به زبان فطرت و باطن سخن می‌گوید؛ چنانکه خود می‌فرماید: «چطور با اهل عالم صحبت می‌کند؟... این اعجاز است.»<sup>۳</sup>

۱. یزدی حایری، إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۲۸۳.

۳. همان، ص ۲۸۴.

از همین رو آمادگی برای لبیک به ندای ظهور، نه با ابزار؛ بلکه با تزکیه، بیداری دل، و تهذیب جان<sup>۱</sup> حاصل می‌شود؛ همان‌گونه که برخی در پاسخ به ندای ابراهیم خلیل لبیک نگفتند، در هنگام ظهور نیز تنها کسانی لبیک خواهند گفت که در سلوک بندگی، گوش دل را از آلودگی‌ها پاک کرده‌اند. به بیان دیگر، لبیک، گفتاری صرف نیست؛ بلکه سلوکی پیوسته است. آنکه در زندگی روزمره به ندای خداوند پاسخ می‌دهد، در لحظه ظهور نیز از اجابت‌کنندگان خواهد بود.

در مجموع بر اساس آیه ۲۷ سوره حج و تأملات عرفانی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، ظهور امام زمان عجل الله فرجه یک رخداد ظاهری محدود به ابزارهای شنیداری نیست؛ بلکه ادامه دعوتی ازلی و باطنی است که ریشه در عالم فطرت دارد. او با تکیه بر این حقیقت، ظهور را نه یک حادثه آینده، بلکه حقیقتی جاری در عالم هستی می‌داند که تنها پاک‌دلان می‌توانند آن را بشنوند و درک کنند. آمادگی برای ظهور، در نگاه او، به معنای بازکردن گوش دل و پالایش درون است تا در لحظه ندای امام، بتوان با جان و عمل لبیک گفت.

### اکراه در ایمان به حضرت در هنگام ظهور؛ نشانه خشکاندن سرچشمه درون

خداوند متعال در آیه ۳۸ سوره نحل پرده از یکی از عمیق‌ترین آشکال انکار بر می‌دارد؛ انکاری که نه از روی جهل یا خطای ظاهری، بلکه ریشه در لجاجت و انکار درونی دارد:

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ بَلَىٰ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛

و با سخت‌ترین سوگندهای خود به خدا قسم خوردند که هرگز کسی را که می‌میرد، خدا بر نمی‌انگیزد. بله [چنین خواهد کرد]، وعده‌ای بر او حق است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

این آیه، بیانگر نوعی از بی‌ایمانی است که با زبان سوگند و اطمینان ابراز می‌شود؛ اما در حقیقت، نشانه عدم تسلیم قلبی به وعده‌های الهی است. چنین افرادی نه تنها قیامت و حیات پس از

۱. قال الإمام الصادق عليه السلام: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۰).

مرگ را انکار می‌کنند، بلکه نسبت به اصل تحقق وعده‌های خداوند نیز دچار شک و ستیزند. در همین زمینه، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه با تکیه بر همین مضمون، مخاطب را در برابر خطر یک نوع ناباوری باطنی در زمان ظهور حضرت حجت رحمته‌الله‌علیه هشدار می‌دهد. وی می‌فرماید:

انسان با خود، کاری می‌کند که هیچ دشمنی با او نمی‌کند؛ و آن اینکه سرچشمه صلاح را تا روز قیامت خشک می‌کند؛ از این رو، معلوم نیست که همه باطناً به حضرت حجت در وقت ظهور ایمان بیاورند؛ عده‌ای از روی اکراه ایمان می‌آورند.<sup>۱</sup> این سخن آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، ناظر به حقیقتی بسیار دقیق در سلوک مهدوی است: ایمان آوردن به امام زمان رحمته‌الله‌علیه در هنگام ظهور، امری تضمین‌شده نیست. آن‌کس که در طول عمر خود سرچشمه ایمان و فطرت خویش را با گناه، غفلت، و لجاجت خشک کرده باشد، حتی در روزی که حجت خدا با تمام روشنی و وضوح ظاهر می‌شود نیز یا ایمان نمی‌آورد یا ایمانش از نوع اکراهی و سطحی خواهد بود.

«ایمان اکراهی» یعنی تصدیق ظاهری بدون تسلیم باطنی. چنین ایمانی نه نجات‌بخش است، نه ثمره انتظار. آیه ۳۸ سوره نحل نیز دقیقاً به همین نکته اشاره دارد: انکار حقیقت وعده‌های الهی، ریشه در قساوت دل و بی‌خبری از سنت‌های الهی دارد.

بنابراین، یکی از وظایف اصلی منتظران در عصر غیبت، حفظ و صیانت از چشمه ایمان در باطن خویش است. در این نگاه، انتظار تنها با دعا و آرزو تحقق نمی‌یابد؛ بلکه نیازمند سلوک باطنی، تهذیب نفس و مراقبت دائمی از فطرت الهی انسان است. کسی که دل خود را از آلودگی‌ها پالایش نکند و نور یقین را در آن زنده نگه ندارد، هنگام ظهور، یا قدرت درک حقیقت را ندارد یا از روی اضطراب و نه از سر عشق، ایمان می‌آورد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، ظهور حضرت حجت رحمته‌الله‌علیه نه نقطه آغاز ایمان، بلکه لحظه آشکار شدن ثمره ایمان باطنی انسان‌ها است. آن‌کس که در دوران غیبت، دل خود را زنده نگاه دارد و با عمل و معرفت، ایمان خویش را پرورش دهد، در هنگام ظهور، لبیک‌گو

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۲۸۷.

خواهد بود. اما آنکه سرچشمه ایمان را خشک کرده باشد، در مواجهه با حجت خدا، یا انکار می‌کند، یا از روی اکراه تصدیق می‌نماید. این هشدار قرآنی، دعوتی است به پالایش مستمر دل، تا ظهور نه یک تهدید، بلکه فرصت ملاقات با حقیقتی باشد که از مدت‌ها پیش، در جان ما زنده بوده است.

### مراتب تشریف و دیدار امام

دیدار و تشریف به محضر حضرت ولی‌عصر علیه السلام دارای مراتبی است؛ از تشریف ظاهری و دیدار حسی، تا شهود باطنی و فهم حضوری. آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه با رویکردی سلوکی و معرفتی، یکی از مراتب مهم این دیدار را نگاه عاشقانه و مؤمنانه به قرآن کریم می‌داند؛ قرآنی که به تصریح احادیث، «عدیل» امام زمان علیه السلام است. او می‌فرماید:

این از اسرار اهل بیت علیهم السلام و اهل ایمان است که اگر این شریک اوست، او - عجل‌الله تعالی فرجه الشریف - را که نمی‌بینی، به شریک و عدل او نگاه کن.<sup>۱</sup>

از این منظر، کسی که از فیض دیدار ظاهری با امام محروم است، می‌تواند از راه نظر مؤمنانه و توجه قلبی به قرآن، به نوعی از تشریف معنوی و ارتباط حضوری با حضرت دست یابد. این نگاه، صرفاً نگاه فیزیکی به خطوط قرآن نیست؛ بلکه نگاهی است همراه با حضور قلب، محبت، و معرفت نسبت به پیوند میان قرآن و امام. آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه ادامه می‌دهد:

و اهلش استفاده‌هایی از این [نگاه کردن] می‌برند که وارد شده است: «النظرُ إلى المُصحفِ عِبادةٌ؛ نگاه کردن به قرآن عبادت است.»<sup>۲</sup> [یعنی مجرد نگاه کردن به قرآن، حتی اگر بدون تلاوت باشد، عبادت است.] مصحف، عدیل خود حضرت حجت علیه السلام است؛ نظر به مصحف، نظر به امام زمان علیه السلام است؛ عدیل نظر به امام

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۳۵۵.

۲. اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۲۶۸.

زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ است.<sup>۱</sup>

در این بیان، تشرف نه یک اتفاق خارق العاده و نادر، بلکه یک تجربه روزمره و ممکن برای اهل دل معرفی می شود؛ تجربه ای که از طریق نگاه عاشقانه به قرآن حاصل می گردد. او تأکید می کند: من خیال می کنم که اگر کسی امام زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را ببیند - ولو یک لحظه - می فهمد که بقیه قابل اعتنا نیست؛ قابل نگاه کردن نیست، مگر به نحوی که منافی با یاد خدا نباشد. همچنین اگر کسی بفهمد نظر به مصحف بکند - چون [مصحف] عدیل صاحب الزمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ است - مثل این است که صاحب الزمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را دیده است.<sup>۲</sup>

بر این اساس، دیدار حقیقی، پیش از آنکه اتفاقی ظاهری باشد، تجربه ای باطنی است که در سایه معرفت و محبت به قرآن و حجت خدا حاصل می شود؛ بنابراین، چشم سر ممکن است از دیدار محروم باشد، اما چشم دل اگر با قرآن پیوند داشته باشد، در حقیقت در حال تشرف است. در نهایت، آیت الله بهجت رحمته الله با زبانی ساده اما پرمعنا یادآور می شود:

[قرآن] عدیل آن حضرت رَضِيَ اللهُ عَنْهُ است. این هایی که عاشق امام زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ هستند، بدانند که این [عمل به] اختیار خودشان است. همین قرآن، عدیل آن حضرت است، عدیل اوست، شریک اوست، مثل او است. چه بسا همین سبب شود که اگر عاشقانه کسی مطالعه بکند، گمان کنم که دیگر این مطالب از بین برود.

از این رو مراتب تشرف به امام، محدود به رؤیت جسمانی نیست؛ بلکه با معرفت به قرآن و انس عاشقانه با آن نیز حاصل می شود. آنکه اهل قرآن است، به گونه ای در محضر امام نیز هست؛ و آن که با قرآن انس ندارد، از زمینه ی اصلی دیدار با امام نیز محروم است.

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۳۵۵.

۲. همان، ص ۳۵۶.

## نتیجه‌گیری

نگاه قرآنی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه به مهدویت، الگویی متمایز از تفسیر و تأمل در آیات است که ویژگی اصلی آن، عبور از رویکرد صرفاً لغوی و نظری و تأکید بر حضور باطنی و سلوکی امام در زندگی مؤمنان است. وی آیات قرآن را نه فقط در مقام اثبات اعتقادی مهدویت، بلکه به مثابه نقشه‌ای عملی برای تربیت دل‌منتظران و بیداری روحی در عصر غیبت به کار می‌گیرد.

ویژگی محوری نگاه او، ارتباط زنده و مستمر میان قرآن و امام زمان عجل‌الله‌فرجه است؛ به گونه‌ای که قرآن را عدیل حضرت معرفی می‌کنند و «نظر به مصحف» را معادل «نظر به امام» می‌دانند. در این منظومه، آیاتی که به تقوا، صبر، توکل و تضرع اشاره دارند، به اصول راهبردی سلوک منتظرانه تبدیل می‌شوند؛ زیرا به باور ایشان، آمادگی برای ظهور در گرو آمادگی دل و تزکیه باطن است.

همچنین او غیبت را «غیبت ما از آمادگی» می‌داند و ظهور را نه رخدادی صرفاً خارجی؛ بلکه تجلی حقیقت در دل‌های آماده می‌بیند؛ بنابراین فهم آیات قرآن در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، همواره با تربیت قلبی، اصلاح نفس و حضور عملی در مسیر عبودیت گره خورده است. ویژگی ممتاز این رویکرد، کاربردی کردن معانی قرآن در زیست منتظرانه و ارائه یک روش سلوکی اخلاقی برای عصر غیبت است.

نتیجه پژوهش نشان داد اشارات قرآنی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در موضوع مهدویت در پنج محور، قابل دسته‌بندی است: ۱. اثبات وجود امام زمان عجل‌الله‌فرجه و حجیت دائمی ولی خدا در قرآن؛ ۲. تبیین حقیقت غیبت و موانع ظهور؛ ۳. بیان وظایف و مسیرهای تربیتی منتظران در آیات؛ ۴. ظهور به عنوان غربال ایمان و فرآیندی باطنی که مقدمات آن در سلوک فردی شکل می‌گیرد؛ ۵. نگاه و مطالعه قرآن یکی از مراتب تشریف و دیدار امام زمان عجل‌الله‌فرجه است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۲. ابومعاش، سعید، الإمام المهدي عليه السلام في القرآن و السنة، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة، ۱۳۸۸.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۴. بهجت، محمدتقی، حضرت حجت، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت، ۱۴۰۲ ق.
۵. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۹۰.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲.
۷. شهید اول، محمد بن مکی، الدرّة الباهرة، محقق / مترجم: مسعودی، عبد الهادی، قم: زائر، ۱۳۷۹، چ ۱.
۸. طباطبائی سید محسن و دیگران، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹، چاپ اول.
۹. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، مصحح: موسوی خراسان، محمدباقر، مشهد: المرتضی، ۱۳۶۱ ش، چ ۱.
۱۰. قمی، عباس، سفینة البحار، قم: اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. الکوثرانی العاملی، علی، معجم أحاديث الإمام المهدي علیه السلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث

العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۴. مفید، محمد بن محمد، **أمالی**، مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی اکبر، قم: کنگره

شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۱۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبة**، محقق: غفاری، علی اکبر، تهران: مكتبة الصدوق،

۱۳۹۷ق.

۱۶. یزدی حایری، علی، **إلزام الناصب**، محقق، مصحح: عاشور، علی، بیروت: أعلمی، ۱۴۲۲ق.